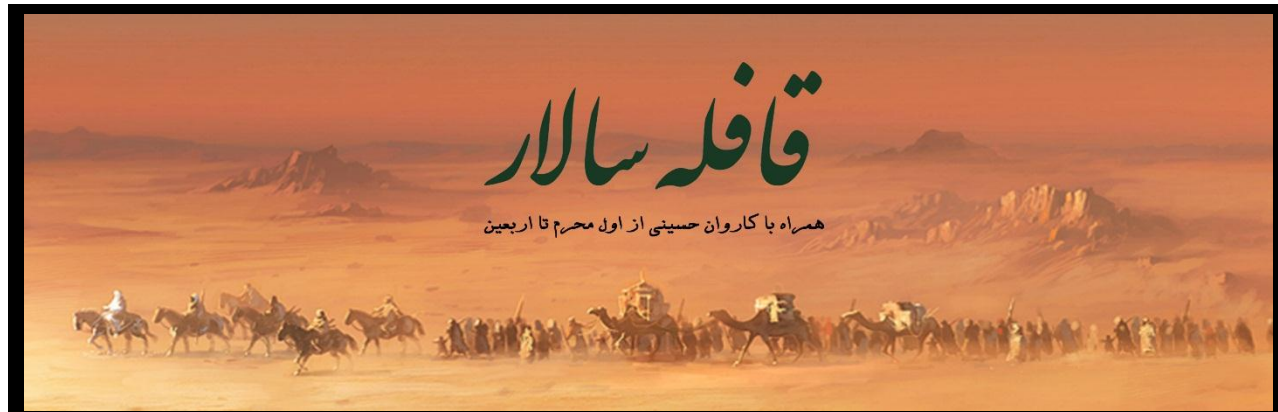


# قافله سالار

همراه با کاروان حسینی از اول محرم تا ربیعین



## دوم محرم

باد میان نخلستان‌های فرات وزیدن گرفت و با صدای پرندگان آسمان هم آوا شد.

ندا در داد: نیا! نیا! نیا!

صدا در پهن دشت وسیع و گسترده زمین طنین انداز بود، که اسب قافله سالار از حرکت باز ایستاد.

دست بر زمین کوبید.

حُر ریاحی بتاخت و خود را به قافله سالار رساند.

گفت: یا بن رسول‌الله، نامه امیر عبیدالله هم اکنون به دستم رسید، فرمان داده ترا از حرکت باز دارم،

تا تعیین تکلیف کند.

در سکوت قافله سالار، بُریر بن خُصیر نزدیک شد.

گفت: امر امیرت را به تأخیر بینداز تا از این بیابان خارج شویم.

حُر ریاحی گفت: اجازه ندارم.

قافله سالار گفت: بسیار خوب، به سمت شفیبه برویم، آنجا توقف کنیم.

گفت: امکان ندارد.

قافله سالار لحظاتی در سکوت نگاهش را در اطراف بیابان چرخاند.

گفت: نام این سرزمین چیست؟

بُریر جواب داد: طَف! سرزمین طَف است.

قافله سالار گفت: نام دیگری ندارد؟

بُریر قدری تأمل کرد.

گفت: کربلا!

قافله سالار گفت: خدایا به تو پناه می برم از غمها و بلاها!

سپس از اسب به زیر آمد.

زمین آغوش گشود و بر پای او بوسه زد.  
و کربلا، از پس هزاران سال انتظار، پُر غرور بر خود نازید و به دیگر نقاط عالم بالید،  
و تمام سنگریزه‌ها و دانه‌های شن، سر فرود آوردند و شیفته و شیدا از عمق زمین فریاد زدند؛  
این قُدوم حسین است که ما را نوازش می‌کند.  
قافله سالار، مُشتی خاک از زمین بر گرفت و بویید.  
گفت : به خدا سوگند این همان زمینی است که جدّم رسول الله وعده کرده بود.  
همانجا که در بازگشت از صفین پدرم گفت؛ حسین، اینجا سرزمین توست، در کنار فرات شکیبا باش.  
یاران، محل فرود و خوابگاه اشتران ما اینجاست. خیمه‌ها را برپا کنید.  
خون ما را در این دیار می‌ریزند و حریم ما را در این سرزمین می‌شکنند.  
باد طنین صدایش را تا همیشه تاریخ با خود بُرد، و زمان‌ها را به هم آمیخت تا دیوارهای بلند ظلم و ستم،  
کِبر و غرور، و جهل و تعصب و طغیانگری فرو ریزد و انسانیت انسان را به فریاد خواند،  
نشستگان را به قیام، و تماشاگران را به حرکت وا دارد.  
قافله سالار نگاهی به یاران کرد.  
گفت : هر که بر تیزی شمشیرها و زخم نیزه‌ها بردبار است، با ما بماند، و اَلّا باز گردد.  
لحظه‌ای ساکت ماند و سپس ادامه داد.  
گفت : مجبّین و پیروان ما، مردمانی که هنوز در پشت پدران و زهدان مادرانند،  
کویی که با ما در این سرزمین فرود آمده‌اند.  
اینجا زمین کربلاست!

مجتبی فرآورده